

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده زبان شناسی

گروه همگانی

پایان نامه کارشناسی ارشد / رشته زبان شناسی گرایش همگانی

رویکرد شناختی به نمادها

در اشعار سهراب سپهری و مهدی اخوان ثالث

استاد راهنما:

دکتر فاطمه راکعی

استاد مشاور:

دکتر آرزیتا افراشی

پژوهشگر:

سیروس حسنی

خردادماه ۱۳۹۷

چکیده

شعرشناسی شناختی به طور کلی درباره‌ی خوانش ادبیات است.

پایه‌های شعرشناسی شناختی مستقیماً بر مبنای زبان‌شناسی شناختی و روان‌شناسی شناختی قرارداد که هر دو بخشی عمده از علم شناختی را شکل می‌دهند. مسلم است که باید مفهوم اصلی پنهان و رای این رشته‌های نوآورانه را که به محیط زیستی انسان مرتبط هستند، و صورت‌های مختلف بیان و ادراک آگاهانه را شکل ، بیش از آنچه که در گذشته تشخیص داده می‌شد، درک کرد.

فرایند تحلیل شعرشناسی شناختی می‌تواند الگوهای خاصی را ارائه دهد که یا ناخودآگاه‌اند و یا هیچ‌گاه مورد توجه قرار نگرفته‌اند. شعرشناسی شناختی در این نگاه، دارای نیرویی پیشگویانه است که دست‌کم توانایی ارائه‌ی تفسیری جدید دارد. این منظر بر این باور است که برخی تفسیرها صرفاً برای تحلیل‌گرانی در دسترس است که دارای دانشی از نوع شعرشناسی شناختی هستند. البته این نگاه می‌تواند دارای پیامد تأسفباری باشد که به صورت ضمنی می‌گوید همه‌ی تفسیرهای پیشین نادرست بوده‌اند و صرفاً تحلیل‌های شناختی معتبر هستند.

کلیدواژه‌ها: شعر شناختی، نمادگرایی، سمبولیسم، شعر معاصر، شعر نمادگرایی اجتماعی

فهرست عناوین

۱	فصل اول: کلیات پژوهش.....
۲	۱-۱ مقدمه.....
۳	۱-۲ بیان مسئله.....
۵	۱-۳ اهمیت و ضرورت پژوهش.....
۷	۱-۴ اهداف پژوهش.....
۷	۱-۵ سوالات پژوهش.....
۸	۱-۶ فرضیه‌های پژوهش.....
۹	۱-۷ جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش.....
۱۰	۱-۸ جمع بندی.....
۱۲	۲-۱ مقدمه.....
۱۳	۲-۲ اصول سمبولیسم.....
۱۳	۲-۲-۱ ابهام.....
۱۳	۲-۲-۲ حذف قواعد وزن و قافیه.....
۱۴	۲-۲-۳ یکسانی شعر و موسیقی.....
۱۴	۲-۲-۴ القا.....
۱۴	۲-۳ نظریه ی بوطیقای شناختی ریون تسر.....
۱۶	۴-۲ نظریه جهان متن.....
۱۷	۵-۲ جهان گفتمان.....
۲۹	۲-۶ جهان متن.....
۳۰	۲-۷ عناصر جهان ساز.....
۳۳	۲-۸ گزاره های نقش گستر.....
۳۶	۲-۹ جهان های زیرشمول.....
۳۷	۲-۹-۱ جهان های زیرشمول عبارات اشاری.....
۳۹	۲-۹-۲ جهان های زیرشمول نگرشی.....
۴۱	۲-۹-۳ جهان های زیرشمول معرفت شناختی.....

۴۴ ۲-۹-۴ کارکرد مثل‌گویی (parable) در ادبیات
۴۹ ۲-۱۰ جمع بندی
۵۱ ۳-۱ مقدمه
۵۴ ۳-۳ واژه‌ی علوم شناختی
۵۵ ۳-۴ معنی‌شناسی شناختی
۵۶ ۳-۵ نظریه‌ی تشبیه استعاره
۵۷ ۳-۶ استعاره مفهومی
۶۰ ۳-۷ استعاره‌های جهتی
۶۱ ۳-۸ درآمدی بر شعر شناختی
۶۱ ۳-۸-۱ برداشتی نسبی از مقوله شعر
۶۵ ۳-۸-۲ نسبت شعر به زبان: مروری بر سه دیدگاه شعرشناسی
۶۹ ۳-۸-۳ رویکردی سیستمی - نقش‌گرا به گفتمان شعری
۷۴ ۳-۱۰ جمع بندی
۷۵ فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (داده‌ها و اطلاعات)
۷۶ ۴-۱ مقدمه
۷۶ ۴-۲ سهراب سپهری
۷۷ ۴-۳ ساختار و زبان در شعر سپهری
۷۷ ۴-۴ بررسی واژگان از نظر نوع و ساختمان در شعر سپهری
۷۷ ۴-۴-۱ اسم
۷۹ ۴-۴-۲ صفت
۸۰ ۴-۵ واژه‌گردانی (تغییر طبقه دستوری واژه)
۸۰ ۴-۵-۱ صفت به جای اسم
۸۰ ۴-۵-۲ روشن شب (سپهری، ۱۳۷۶)
۸۱ ۴-۵-۳ سرخ غروب
۸۲ ۴-۶ قید به جای اسم (قید گردانی)
۸۲ ۴-۷ ضمیر مبهم به جای اسم (ضمیر گردانی)
۸۲ ۴-۷-۱ سیم
۸۳ ۴-۷-۲ سایه

۸۳	۴-۷-۳ فریب
۸۳	۴-۸ بررسی همنشینی واژگان و ترکیب سازی
۸۳	۴-۸-۱ ترکیب اضافی
۸۶	۴-۸-۲ ترکیب های وصفی
۹۰	۴-۹ بررسی واژگان از دیدگاه موضوعی و معنایی
۹۰	۴-۹-۱ پدیده های طبیعی
۹۱	۴-۹-۲ واژگان در حوزه درختان
۹۱	۴-۹-۳ واژگان در حوزه گل ها
۹۱	۴-۹-۴ واژگان در حوزه دین
۹۲	۴-۱۰ واژگان کهن
۹۲	۴-۱۰-۱ فعل
۹۲	۴-۱۰-۲ حرف
۹۳	۴-۱۰-۳ اسم
۹۳	۴-۱۱ مهدی اخوان ثالث
۹۵	۴-۱۲ جلوه های نمادپردازی اخوان در مجموعه زمستان
۹۷	۴-۱۲-۱ سترون
۹۸	۴-۱۲-۲ فریاد، فراموش، مرداب و چاووشی
۱۰۰	۴-۱۲-۳ آخر شاهنامه
۱۰۱	۴-۱۲-۴ آخر شاهنامه نمادی از حماسه نافرجام
۱۰۲	۴-۱۲-۵ تجلی سمبولهای اجتماعی در مجموعه «از این اوستا»
۱۰۳	۴-۱۳ دو شعر مهم و بنیادین از دفتر در حیات کوچک پاییز در زندان
۱۰۳	۴-۱۳-۱ خوان هشتم
۱۰۴	۴-۱۳-۲ آدمک
۱۰۶	۴-۱۴ جمع بندی
۱۰۸	فصل پنجم: جمع بندی
۱۰۹	۵-۱ مقدمه
۱۰۹	۵-۲ جمع بندی
۱۱۳	منابع فارسی

١١٩ منابع لاتین
١٢٢ Abstract

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱ مقدمه

یکی از جریان‌های ادبی فرانسه در قرن نوزدهم میلادی که بر ضد ادبیات رئالیستی، و ناتورالیستی، و ناتورالیستی، قد برافراشت، سمبولیسم بود. سمبولیسم از واژه «سمبول» گرفته شده است که به عنوان اسم در معنی رمز، دال یا نشانه‌ای که معرف چیز دیگری است، به کار می‌رود. نماینده این تفکر جدید که همه جهان و پدیده‌های آن را جنگلی مالا مال از اشارات و رمزها می‌داند، شارل بودلر است که در «گل‌های شر»، این دیدگاه و اندیشه را مجسم و ممثل نموده است. هنر سمبولیستی از حقیقتی سخن می‌گوید که در ورای رموزها و نمادها پنهان است و در زبان ادبی که خود نظامی متشکل از نشانه‌هاست، برجسته می‌شود. در دهه‌های سی و چهل شمسی در شعر معاصر ایران، گرایش‌ها و جریان‌های گوناگونی به وجود آمده که در هر یک، آثار و اشعار بسیاری چاپ و منتشر شد. برخی از این آثار از زمره‌ی خواندنی‌ترین و ماندگارترین نمونه‌های شعر و ادب فارسی به شمار می‌روند. یکی از مهمترین و معروفترین این جریان‌ها، جریانی است که از آن با عنوان سمبولیسم اجتماعی (شعر رمزگرای جامعه‌گرا) یا شعر نو حماسی و اجتماعی تعبیر می‌شود. در این جریان با شاعرانی بر خلاف شاعران جریان شعر رمانتیک عاشقانه و

فردگرایی دهه‌های بیست و سی رو به رو هستیم. جریان سمبولیسم اجتماعی نوعی شعر نیمایی است با محتوای اجتماعی و فلسفی و روشن بینانه؛ شعری که هدف آن بالا بردن ادراک و بینش هنری و اجتماعی است و غالباً پیامی اجتماعی و انسانی در آن بازگو می‌شود؛ شعری که هم با احساس خواننده سر و کار دارد و هم هم با ادراک و اندیشه‌ی او در تماس است و می‌خواهد که خواننده چشم و گوش خود را باز کند و همه چیز را ببیند و حس کند (زرین کوب، ۱۳۵۸).

نیمایوشیج با شعر ققنوس که اثری نمادین است، اولین کسی است که این جریان ادبی را در ادبیات معاصر ایران بنیان گذاری کرد. پس از وی شاعرانی چون شاملو، اخوان و فروغ این جریان ادبی را ادامه دادند و به اوج رسانیدند (شمیسا و حسین پور، ۱۳۸۰). اخوان همانند دیگر سرایندگان شعر نو فارسی به جای زبان صریح سیاسی از زبان سمبلیک و نمادین بهره گرفته است. اشعار زیر حاصل این تاکتیک است: زمستان (۱۳۳۴)، باغ من (۱۳۳۵)، قاصدک (۱۳۳۸)، چون سبوی تشنه (۱۳۳۵)، میراث (۱۳۳۵)، خزرانی (۱۳۳۵)، بازگشت زاغان (۱۳۳۵)، آخر شاهنامه (۱۳۳۶)، قصیده تسلی و سلام (۱۳۳۵).

۲-۱ بیان مسئله

مکتب سمبولیسم در دو دهه ی آخر قرن نوزدهم میلادی در فرانسه شروع شد و واکنشی در مقابل ناتورالیسم، رئالیسم و فلسفه ی پوزیتیویسم بود. چون این جریانها بر واقعیت عینی تاکید داشتند در حالیکه واقعیت مورد نظر سمبولیت ها واقعیت پنهان بود. آشنایی نیما با زبان فرانسه و مطالعه ی اشعار آن روز باعث شد این جریان به نحوی بر شعر رمانتیک فرد گرای آن دوره ی ایران نیز تاثیر بگذارد. دهه های سی و چهل شمسی ازسده ی حاضر را می توان دهه های گسترش و تثبیت "شعر معاصر فارسی" نامگذاری کرد. یکی از رویدادهایی که شعر فارسی را تحت تاثیر قرار داد "جریان سمبولیسم اجتماعی" یا شعر نو حماسی و اجتماعی تعبیر می شود.

اصطلاح "سمبولیسم اجتماعی" را دکتر شفیعی کدکنی در مورد شعر نیما و پیروان او چون اخوان، احمد شاملو و دیگر ادامه دهندگان راه او بکار می برد. او می نویسد: "مترقی ترین صدا بازصدای نیماست که دیگر آن صبغه و جنبه ی رمانتیک را ندارد و کاملاً سیاسی است و نوع حرکت بیشتر به سمبولیسم اجتماع گراست" (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳، ۵۵).

البته دکتر حمید زرین کوب در کتاب «چشم انداز شعر نوی فارسی» با ذکر دلایل و قراین شعری این دسته از شاعران شعر معاصر، از این جریان با عنوان «شعر نوی حماسی و اجتماعی» یاد می کند و درباره ی آن می نویسد: «منظور از شعر نوی حماسی، نوعی شعر نیمایی است با محتوای اجتماعی و فلسفی و روشن بینانه یا شعری که هدف آن بالابردن ادراک و بینش هنری و اجتماعی است و غالباً پیامی اجتماعی و انسانی در آن بازگو می شود. شعر نوی حماسی که در اینجا در مقابل شعر تغزلی قرار گرفته است، برخلاف شعر تغزلی، خواننده رادر لذتجویی های فردی یا اندوه های ساختگی خود شریک نمی سازد؛ بلکه می خواهد خواننده را با رویدادهای عصر خود آشنا سازد... شعرنوی حماسی هم با احساس خواننده سروکار دارد و هم با ادراک و اندیشه او در تماس است و می خواهد چشم و گوش خود را باز کند و همه چیز را ببیند و حس کند. از این رو مسئله فرد از میان می رود و هرچه هست اجتماع است. در این شعر عشق، که نوعی گرایش فردیست جنبه و روح اجتماعی پیدا می کند.» (زرین کوب، ۱۳۵۸، ۴-۱۲۳).

شعرشناسی شناختی به طور کلی درباره ی خوانش ادبیات است. پایه های شعرشناسی شناختی مستقیماً بر مبنای زبان شناسی شناختی و روان شناسی شناختی قرار دارد که هر دو بخشی عمده از علم شناختی را شکل می دهند. مسلم است که باید مفهوم اصلی پنهان ورای این رشته های نوآورانه را که به محیط زیستی انسان مرتبط هستند، و صورت های مختلف بیان و ادراک آگاهانه را شکل می دهند، بیش از آنچه که در گذشته تشخیص داده می شد، درک کرد. در حقیقت، انسان به شکلی که رفتار می کند، فکر می کند و مفاهیم را به شیوه ای که با آن ها رفتار می کند، بیان می کند، چراکه انسان ها همه ظرف هایی در قالب بدن انسان و مملو از هوا و آب هستند که گیرنده های

اصلی‌شان در بالای بدنشان قرار دارند. ذهن انسان نه صرفاً به صورت یک به یک، بلکه به صورت استعاری به مفاهیم "تجسم می‌بخشد" و بدین صورت، تمایز فلسفی ذهن-جسم که معروف‌ترین آن از زبان دکارت بیان شده، به کناری می‌رود.

بیش‌تر فرهنگ‌ها، خواه از خلال «نوشته‌ها»ی شفاهی و خواه مستند، عبارات کلامی را به مثابه‌ی صورت متعالی هنر تلقی می‌کنند. ارتباط میان الگوهایی که از روان‌شناسی شناختی و به ویژه زبان‌شناسی شناختی منشعب می‌شوند، برای رشته‌ی مطالعات ادبی امری کاملاً واضح است. به طور مسلم شعرشناسی شناختی به نقد ادبی نیز مرتبط است. کانون توجه در این رشته به سمت هر سه ضلع مثلث «مؤلف/متن/خواننده» تغییر کرده است، درحالی‌که در سنت‌های متفاوتی که وجود دارد، کم و بیش تنها بر یکی از این سه ضلع تأکید می‌شود. شعرشناسی شناختی براساس این طرح شکل می‌گیرد و این به معنی محدود نشدن به یک یا چند زاویه دید است. شعرشناسی شناختی با توجه به خوانش ادبی و نیز با توجه به ابعاد روان‌شناختی و زبان‌شناختی، ابزاری برای بحث درباره‌ی تفسیر ارائه می‌دهد که این ابزار می‌تواند مؤلف‌محور و یا خواننده‌محور باشد، و همچنین این ابزار مشخص می‌کنند که چگونه این تفسیرها از خلال متن ساخته می‌شوند. در این معنا، شعرشناسی شناختی صرفاً به عنوان تغییری در کانون توجه تلقی نمی‌شود، بلکه ارزیابی دوباره و بنیادین کل فرایند کنش ادبی است.

۳-۱ اهمیت و ضرورت پژوهش

در فرانسه همه‌ی شاعران سمبولیست از واقعیت موجود، یعنی واقعیت ملموس و حسی روگردان و ناراضی بودند و به دنبال حقیقتی بودند که در ورای حقیقت ظاهر است برای بیان تخیلات، بیشتر مصراع‌هایی لازم بود که شبیه زمزمه‌ای آرام و مبهم و به قول ورلن "موسیقی بی‌آواز" باشد، و می‌گفتند که شعر نیز مانند موسیقی باید مبهم باشد؛ مطلب صریحی را به طور قاطع بیان نکند بلکه به کمک آهنگ و با استفاده از تخیلات انسان در او تاثیر نماید.

نیما یوشیج نیز به عنوان سردمدار این جنبش در ایران در نقد شاعران کلاسیک می نویسد: ((هنر آنها در پیدا کردن چن قافیه ی متجانس (در، بر، سر، نر) است مثل ترقه می ترکد وقتی که پیدا کرده اند. بیشتر می ترکد هنگامی که شعرها هر کدام دو قافیه دارند. اما معنی و مضمون سازگار با طبایع آنها نیست، یا معنی و مضمون نازلی از خودشان یا دیگران، همین که مصراع‌ای از نظر آنها گذشت همه چیز فراهم است. اینقدر مصرع اول را پیش خود تکرار می کنند که تا اینکه مصراع دوم بیاید... این است کار متشاعران جز الفاظ و وزن و قافیه چیزی الهام نمی شود. سر رشته ی الهام آنها هیچ گونه شوق و رنج و حس شاعرانه نیست. می کوند اما نه مثل بزی که هر چه پیش او ریخته اند میخورد... آنها زنده و زندگی را نمی شناسند. آن ها می گویند و نمی خواهند و نمی توانند بدانند که برای چه شعر می گویند. خلاصه می کنم، آنها تکان نخورده اند و به این جهت هیچ کس را هم تکان نمی دهند...))

پیتر استاک ول (۲۰۰۲) در باره خوانش متن ادبی که از آن با عنوان «علم خوانش» یاد می کند؛ می نویسد: «می توانیم ادبیات را در هر زمانی که می خواهیم بخوانیم اما وقتی می خواهیم در باره آنچه در حین خواندن انجام می دهیم فکر کنیم، وقتی می خواهیم آن را درک و منعکس کنیم آنگاه دیگر یک خواننده صرف نیستیم؛ بلکه درگیر علم خوانش شده ایم».

در این پژوهش در صددمین تأثیر مکتب سمبولیسم فرانسه بر جنبش همتای آن (شعر نو حماسی/ شعر جامعه گرای رمز گرا) در ایران بررسی کنیم و همچنین تأثیر به کار بستن رویکرد شناختی و علم خوانش، در نماد های بکار رفته در اشعار دو شاعر برجسته ، اخوان و سپهری بپردازیم.

۴-۱ اهداف پژوهش

فرایند تحلیل شعرشناسی شناختی می‌تواند الگوهای خاصی را ارائه دهد که یا ناخودآگاه‌اند و یا هیچ‌گاه مورد توجه قرار نگرفته‌اند. شعرشناسی شناختی در این نگاه، دارای نیرویی پیشگوبانه است که دست‌کم توانایی ارائه‌ی تفسیری جدید دارد. این منظر براین باور است که برخی تفسیرها صرفن برای تحلیل‌گرانی در دسترس است که دارای دانشی از نوع شعرشناسی شناختی هستند. البته این نگاه می‌تواند دارای پیامد تأسف‌باری باشد که به صورت ضمنی می‌گوید همه‌ی تفسیرهای پیشین نادرست بوده‌اند و صرفن تحلیل‌های شناختی معتبر هستند.

هدف پژوهش پیش رو؛

- ۱- بررسی لایه‌های مختلف نماد در اشعار مهدی اخوان ثالث و سهراب سپهری با رویکرد شناختی چگونه جنبه‌های مختلف جهان فکری آنها را از لحاظ ساختاری و محتوایی
- ۲- بررسی امکان درک ژرف تر نسبت به اینکه آیا کاربرست تفسیر شناختی نماد در اشعار مهدی اخوان ثالث و سهراب سپهری برای خواننده میسر می‌باشد
- ۳- چگونگی رسیدن به تعیین محدودیتهای تفسیرهای چندگانه و بازشناسی متن منسوب از متن اصلی با رویکرد شعرشناسی شناختی

۵-۱ سوالات پژوهش

با توجه به اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر و با توجه به اهداف مورد نظر، سوالاتی برای این پژوهش به شرح ذیل مطرح می‌شود.

۱. لایه‌های مختلف نماد در اشعار مهدی اخوان ثالث و سهراب سپهری با رویکرد شناختی چگونه جنبه‌های مختلف جهان فکری آنها را از لحاظ ساختاری و محتوایی تبیین می‌نمایند؟

۲. آیا کاربست تفسیر شناختی نماد در اشعار مهدی اخوان ثالث و سهراب سپهری امکان درک ژرف تری را برای خواننده فراهم می کند؟

۳. چگونه با رویکرد شعرشناسی شناختی میتوان به تعیین محدودیت‌های تفسیرهای چندگانه و بازشناسی متن منسوب از متن اصلی رسید؟

۶-۱ فرضیه‌های پژوهش

با توجه به سوالات مطرح شده در این پژوهش، فرضیه‌ی پژوهش به شرح ذیل می‌باشد:

۱- لایه‌های مختلف نماد در اشعار مهدی اخوان ثالث و سهراب سپهری با رویکرد شناختی و با بررسی

ساختارهای موجود جنبه‌های مختلف جهان فکری را تبیین می‌نمایند

۲- با توجه به بررسی‌های موجود می‌توان اذعان داشت کاربست تفسیر شناختی نماد در اشعار مهدی اخوان

ثالث و سهراب سپهری امکان درک ژرف تری را برای خواننده فراهم می کند

۳- با توجه به رویکرد و ساختار موضوعات پیرامون شعر شناختی میتوان به تعیین محدودیت‌های تفسیرهای

چندگانه و بازشناسی متن منسوب از متن اصلی رسید

به عقیده‌ی فریمن، «یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده‌ی ادبیات، توانایی آن برای ایجاد معناها و تفسیرهای چندگانه»

است که نقد ادبی می‌تواند چنین خوانش‌هایی را تولید کند، ولی فاقد نظریه‌ای مناسب برای ادبیات است، زیرا

خوانش متون باید به واسطه‌ی جایگاهی نظری شکل بگیرد. درحالی‌که شعرشناسی شناختی امکان خوانش‌های

چندگانه را بر اساس پایگاهی علمی و به دور از سلیقه‌های شخصی فراهم می‌کند. از آنجایی که «زبان محصول

است، و نه متعلق به نظام ساختاری مجزایی درون مغز، بلکه متعلق به فرایندهای شناختی عامی که ذهن انسان

را قادر به مفهوم‌سازی تجربه می‌سازد»، در نتیجه «درک تجسم‌یافته» برای بررسی متون ادبی نیز کاربرد دارد، چرا که یکبار درک تجسم‌یافته‌ی مؤلف و یکبار درک تجسم‌یافته‌ی خواننده بر مبنای درک تجسم‌یافته‌ی متن مؤلف، که هر دو از نگاشت‌های عمومی ذهن انسان ایجاد می‌شوند، مورد بررسی قرار می‌گیرد (فریمن، ۱۹۹۸، ص ۲۵۳- نقل از لایلا صادقی). پس شعرشناسی شناختی با تکیه بر درک تجسم یافته و مفهوم‌سازی‌های ذهن می‌تواند یک دیدگاه خواننده محور با چارچوب نظری مناسب به‌شمار آید و مبنای مناسبی برای نظریه ادبی تلقی شود که «متون ادبی محصول درک ذهن» هستند و تفسیرهایی که از متون ادبی صورت می‌گیرند، خود از دیگر «محصول‌های درک ذهنی» به‌شمار می‌روند. در نتیجه، این نظریه می‌تواند ابزاری قدرتمند برای وضوح بخشیدن به فرایندهای استدلالی انسان و روشن کردن ساخت و مفهوم متون ادبی ارائه دهد.

۷-۱ جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش

شعرشناسی شناختی به عنوان یک رشته هنوز بسیار نوپا است، گرچه با صورت‌های بسیار قدیمی‌تر تحلیل مانند بلاغت سنتی دارای پیوندی آشکار است. اصطلاح «بلاغت شناختی» تازگی‌ها چندباری به صورت گذری به کار رفته است و در واقع این رشته بلاغت سنتی را با دستور و منطق ترکیب می‌کند. باید تأکید کرد که پیامد اصلی اتخاذ «رویکرد شناختی» این است که ارزیابی ریشه‌ای همه‌ی این اصطلاحات لازم می‌شود. انتخاب واژه‌ها، صورت ساختارهای متنی و الگوهای استدلال، هر سه وقتی از منظر علم شناخت مطرح می‌شوند، به یکدیگر مرتبط اند. «شعرشناسی» در نظریه‌ی ادبی نو به معنای یک «نظریه» یا «نظام» تلقی می‌شود، اما تداعی آن با واژه‌ی «شعر» به‌ویژه بر خلاقیت عملی ناشی از تفکر در این حوزه دلالت می‌کند.

شعرشناسی شناختی برخلاف نقد ادبی، بر تفاوت‌های کوچک میان خوانش‌ها تمرکز نمی‌کند. بیش‌تر خوانندگان، حتا آن‌هایی که از جامعه‌ی تفسیری یکسانی نیستند، بیش‌تر به توافق بر سر خوانش‌های ادبی تمایل نشان می‌دهند. نقد ادبی بر جزئیات موجود در خوانش‌های متفاوت تمرکز می‌کند، چراکه هنجارگریزی معمولن جذاب‌تر به نظر می‌رسد، اما یکی از پیامدهای ناخوش‌آیند چنین رفتاری این است که نقد ادبی بیش از اندازه بر تفاوت، ابهام،

چندگانگی و تردید تأکید می‌کند. شعرشناسی شناختی تمام مسائل مربوط به تفاوت خواننده‌محور را شامل می‌شود، اما این مفاهیم در بافت محدودیت‌های مختلف و متنوع فرهنگی، تجربی و متنی پیرامون خوانندگان واقعی قرار دارند که ادبیات را در جهان واقعی می‌خوانند.

۸-۱ جمع بندی

در این فصل ابتدا به بررسی مقدمه‌ای در مورد یکی از جریان‌های ادبی فرانسه در قرن نوزدهم میلادی که بر ضد ادبیات رئالیستی، و ناتورالیستی، قد برافراشت و سمبولیسم نام داشت پرداخته شد. نیمایوشیج با شعر ققنوس که اثری نمادین است، اولین کسی است که این جریان ادبی را در ادبیات معاصر ایران بنیان‌گذاری کرده است. سپس مشخص شد که یکی از رویدادهایی که شعر فارسی رو تحت تاثیر قرار داد "جریان سمبولیسم اجتماعی" یا شعر نو حماسی و اجتماعی می‌باشد. در قسمت اهداف پژوهش بیان شد که فرایند تحلیل شعرشناسی شناختی می‌تواند الگوهای خاصی را ارائه دهد که یا ناخودآگاه‌اند و یا هیچ‌گاه مورد توجه قرار نگرفته‌اند. شعرشناسی شناختی در این نگاه، دارای نیرویی پیشگویانه است که دست‌کم توانایی ارائه‌ی تفسیری جدید دارد. در نهایت در قسمت فرضیه پژوهش مشخص شد که از آنجایی که «زبان محصول است، و نه متعلق به نظام ساختاری مجزایی درون مغز، بلکه متعلق به فرایندهای شناختی عامی که ذهن انسان را قادر به مفهوم‌سازی تجربه می‌سازد»، در نتیجه «درک تجسم‌یافته» برای بررسی متون ادبی نیز کاربرد دارد، چرا که یکبار درک تجسم‌یافته‌ی مؤلف و یکبار درک تجسم‌یافته‌ی خواننده بر مبنای درک تجسم‌یافته‌ی متن مؤلف، که هر دو از نگاهت‌های عمومی ذهن انسان ایجاد می‌شوند، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل بعد به بررسی نظریه‌ی بوطیق‌ای شناختی ریون تسر، نظریه‌ی جهان متن، جهان‌گفتمان، عناصر جهان‌ساز، گزاره‌های نقش‌گستر، جهان‌های زیر شمول و زیر مجموعه‌هایش و مثل‌گویی و کاربرد آن در ادبیات پرداخته می‌شود.

فصل دوم: روش‌شناسی پژوهش

۱-۲ مقدمه

نماد، چیزی است و عموماً شیئی کمابیش عینی که جایگزین چیز دیگر شده، و بدین علت بر معنایی دلالت می کند. نماد، نمایش یا تجلی ای هم هست که اندیشه و تصور یا حالتی عاطفی را به حکم تشابه یا هرگونه نسبت و رابطه ای، چه واضح و بدیهی و چه قرار دادی، تذکر می دهد (ستاری، ۱۳۷۸).

نماد و رمز معدل واژه‌ی «سمبول» است. «در زیبا شناسی رمز عبارت است از یک شیئی که گذشته از معنی ویژه بلاواسطه‌ی خودش به چیزی دیگر، به ویژه یک مضمون معنوی تر که کاملاً قابل تجسم نیست اشاره کند» (پورنامداران، ۱۳۸۳). معنی مجازی نماد به علت نداشتن قرینه به یک مفهوم، محدود نمی ماند. بنابراین از استعاره که به علت وجود قرینه صارفه ذهن خواننده و شنونده را به یک مفهوم هدایت می کند، متمایز می شود. و از آنجا که شاعر می تواند به تعداد دلخواه عناصری را برای توصیف دنیای واقعی به کار برد، فرق دراد (میرصادقی، ۱۳۷۲).

بشر همواره آنچه را حس و تجربه نتوانسته تبیین و تصریح کند، از طریق تخیل تبیین و با زبان بی‌زبانی آن را بیان کرده است. «آنچه انسان از طریق حس و علم نتوانسته است پاسخی برای آن بیابد معمولاً از طریق وحی و تخیل و یا عقل از آن آگاه شده است و یا به تبیین آن پرداخته است. جلوه‌های فرهنگی این سه منبع دریافت معرفت به صورت ادیان آسمانی و اساطیر و افسانه‌ها و شعر و ادبیات و نیز فلسفه از زمان‌های قدیم برای انسان باقی مانده است» (همان، ۴۳). بنابراین انسان در بیان کشف و شناخت شخصی نسبت به این امور ناشناخته از زبان رمزی استفاده می‌کند. در ادبیات و به ویژه شعر نو این زبان رمزی و زبان سمبولیک که «زبانی است که تجربیات و احساسات درونی انسان را مانند تجربیات حسی توصیف می‌کند، درست مثل اینکه انسان به انجام کاری مشغول بوده یا واقعه‌ای در دنیای مادی اشیاء برایش اتفاق افتاده باشد» (فروم، ۱۳۴۹) با اساطیر پیوند عمیقی دارد.

۲-۲ اصول سمبولیسم

شاخصه‌های عمده‌ی مکتب سمبولیسم عبارتند از: ابهام، حذف قواعد وزن و قافیه، یکسانی شعر و موسیقی و القا:

۲-۲-۱ ابهام

شعر سمبولیست‌ها الزاماً با نوعی گنگی ذاتی همراه است. آنان از طریق به کارگیری نمادها بی‌توضیحی، سعی در ابهام عمدی کلام دارند. آندره ژید در مقدمه‌ی یکی از آثار خود به نام پالود^۱ چنین نوشت: پیش از آن که اثرم را برای دیگران تشریح کنم، مایم که دیگران این اثر را برای من تشریح کنند (سیدحسینی، ۱۳۸۰).

۲-۲-۲ حذف قواعد وزن و قافیه

سمبولیست‌ها وزن و قافیه را در بیان افکار و عواطف انتزاعی و ذهنی، قید و بند می‌پنداشتند و به همین سبب در وزن و قافیه شعر سنتی تعدیل‌هایی به وجود می‌آوردند و زمینه را برای ایجاد شعر آزاد و شعر منثور فراهم کردند (همان، ۱۳۸۰).

^۱. Paludes

۲-۲-۳ یکسانی شعر و موسیقی

از نگاه نماد گرایان، شعر و موسیقی یکسان است. زیرا به نظر آنان گرایش تمامی هنرها، رسیدن به وضعیت موسیقی است. آن‌ها ابهام، گنگی و سیلان موسیقی را مورد نظر داشتند. تا جایی که پل والری در تعریف سمبولیسم می‌گوید: سمبولیسم یعنی تمایل چند شاعر به این که مال خود را از موسیقی پس بگیرند (چدویک، ۱۳۷۸).

۲-۲-۴ القا

شاعران سمبولیسم، به دنبال القای افکار، عواطف انتزاعی و نیز جهان آرمانی خود از طریق شعر به خواننده هستند. شاعرانی چون رمبو، بودلر وورلن، یکی از اهدافشان این بود که «عواطف و برداشت‌هایشان را نه توصیف که القا کنند. رمبو هیچ‌گاه ماهیت جهانی آرمانی خود را تحلیل نمی‌کند، بلکه فقط آن را به خواننده القا می‌کند» (همان، ۱۳۷۸).

۲-۳ نظریه ی بوطیقای شناختی ریون تسر

زبان‌شناسی شناختی در اواخر دهه ۱۹۷۰ م در واکنش به رویکردهای ساخت‌گرا پدید آمد. پدران زبان‌شناسی شناختی به گفته گیراترت و کویکنز (۲۰۰۷) عبارتند از: لیکاف، رونالد لانگاکر و لئونارد تالمی. خاستگاه این رویکرد زبان‌شناختی، تجربه‌گرایی و واقعیت‌گرایی تجسم‌یافته است که از آن جمله می‌توان به تجسم ذهنی و برتری ماهیت ناخودآگاه تفکر - که در کارهای هوسرل ریشه دارد - و همچنین ماهیت استعاره‌ی مفاهیم انتزاعی اشاره کرد (Zlatev، ۲۰۰۹، ۴۱۵). در زبان‌شناسی شناختی رویکردهای مختلفی وجود دارد و یکی از رویکردهای اخیر آن که به طور اختصاصی به مطالعه ادبیات و شناخت می‌پردازد، «بوطیقای شناختی» نام دارد. ریون تسر برای اول بار در سال ۱۹۸۰ م این اصطلاح را به کار برد. کتاب او با نام **به سوی نظریه بوطیقای شناختی** (۱۹۹۲) طرحی کلی از ریشه‌های اولیه این رویکرد را که در روان‌شناسی گشتالت، فرمالیسم روسی، نقد نو، نقد ادبی،